



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده ادبیات
گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب

شرح و تحلیل و بررسی قصیده یتیمه سوید بن ابي كاهل یشکري

استاد راهنما
دکتر فیروز حریرچی

استاد مشاور
دکتر علیرضا میرزامحمد

پژوهشگر
نرگس خسروی سوادجانی

اسفند ماه ۱۳۸۹

تقدیم به :

تو، ای عزیز مصر وجود!

ای مالک رقاب ملک دل!

**ما برادران یوسف را مانندیم که دوری مان از تو ، ونه دوری تو از ما به اضطرارمان
افکنده،**

و بضاعت ناچیزمان گوهر گرانبهاس صحبت توست، که خود، تو ارزانی مان داشته ای.

**به تو تقدیم می کنیم و از تو می خواهیم که بر ما تصدق نموده ، و پیمانہ های
کوچک دلمان را از چشمه سار ولایت خود لبریز کنی.**

تقدیم به : تو،

یا صاحب الزمان!

باسپاس و قدر دانی فراوان از:

استاد راهنمای پایان نامه، استاد فرهیخته و بزرگوار دکتر فیروز حریچی

استاد مشاور پایان نامه، استاد فرهیخته و بزرگوار دکتر علیرضا میرزاحمد

جناب آقای دکتر قیس آل قیس (مدیر محترم گروه زبان و ادبیات عرب)

جناب آقای دکتر رادفر (رئیس محترم پژوهشکده ادبیات)

استاد داور پایان نامه جناب آقای دکتر محمد صالح شریف عسکری

جناب آقای مهندس حمید رضا اسدی و دوست عزیزم خانم لادن محمدیان

و خانواده عزیزم به پاس حمایت و همراهی همه جانبه شان.

چکیده

سويد بن أبي كاهل يشكري از شاعران مخضرم می باشد، و سه دوره جاهلی، اسلامی و اموی را درک نموده است. ابن سلام جمحی، سويد بن أبي كاهل را با عمرو بن كلثوم، حارث بن حلزة و عنتره بن شداد در یک طبقه آورده است. سويد اشعار زیادی داشته ، که بیشتر آن امروز در دسترس ما نیست. بارزترین اثر او قصیده «یتیمه» می باشد، که خوشبختانه به دست ما رسیده است. این قصیده دارای ۱۰۸ بیت می باشد. قصیده «یتیمه» در روزگار پیش از اسلام نیز از بهترین قصاید عرب به حساب می آمده است، اگر چه بخشی از آن در دوره اسلامی سروده شده است.

در رساله حاضر سعی بر آن شده است، که قصیده «یتیمه» مورد شرح و تحلیل و بررسی قرار گیرد. نخست به معرفی عصر زندگی شاعر یعنی سه دوره جاهلی، اسلامی و اموی پرداختیم، تا خواننده پیش زمینه ای از وضعیت تاریخی و ادبی آن دوران داشته باشد. سپس در فصلی زندگی نامه شخصی و ادبی سويد را بررسی کردیم. در فصل سوم به شرح و تحلیل جداگانه هر بیت پرداختیم. در فصل پایانی نیز قصیده «یتیمه» را به طور کلی مورد بررسی قرار دادیم و از جایگاه این قصیده در ادبیات عرب و اغراض و ویژگی های لفظی و معنوی قصیده سخن گفتیم.

این قصیده از دیوان المفضلیات، شرح أبو محمد القاسم بن محمد بن بشار الأنباري روایت شده است. آن گاه در فصل سوم هر بیت اعراب گذاری شده و لغات مهم آن همراه با ترجمه و شرح ابیات و نکات نحوی و بلاغی ابیات آورده شده است. روندی که این رساله طی کرده است ، خواننده را به این نتیجه می رساند که قصیده «یتیمه» نزد اعراب از جایگاه والایی برخوردار است. و بسیاری از اغراض رایج شعر دوره جاهلی همانند غزل، وصف، فخر، حکمت و هجا در این قصیده به کار گرفته شده است. علیرغم تنوع اغراض قصیده شاعر توانسته است، با عاطفه و احساس قوی، به خوبی بین این اغراض ارتباط برقرار کند.

واژگان کلیدی : عصر جاهلی _ عصر اموی _ تحلیل واژگانی _ اشاره های نحوی _ اشاره های بلاغی _

شرح ابیات

فهرست مطالب

پیشگفتار.....د

فصل اول :

۱ معرفی عصر زندگی شاعر

۱. ۱. دوره جاهلی

۱. ۱. ۱. مفهوم جاهلیت.....

۱. ۱. ۲. محدوده زمانی دوره جاهلی.....

۱. ۱. ۳. اعراب قبل از اسلام

۱. ۱. ۳. ۱. سرزمین اعراب.....

۱. ۱. ۳. ۲. وضعیت اجتماعی اعراب.....

۱. ۱. ۳. ۳. وضعیت سیاسی جامعه اعراب.....

۱. ۱. ۳. ۴. ایام اعراب و جنگ های پیوسته

۱. ۱. ۳. ۵. اخلاق اعراب.....

۱. ۱. ۳. ۶. عقاید دینی اعراب

۱. ۱. ۳. ۷. وضعیت ادبیات بین اعراب

۱. ۱. ۴. شعر دوره جاهلی

۱. ۱. ۴. ۱. ویژگی های لفظی شعر دوره جاهلی

۱. ۱. ۴. ۲. ویژگی های معنوی شعر دوره جاهلی

۱. ۱. ۴. ۳. اغراض و محتوای شعر دوره جاهلی

۱. ۱. ۴. ۴. شکل شعر دوره جاهلی.....

۱. ۱. ۴. ۵. وحدت موضوعی در شعر دوره جاهلی.....

۱. ۱. ۴. ۶. روایت شعر دوره جاهلی

۱. ۱. ۴. ۷. ارزش شعر دوره جاهلی.....

۲۳	۱ . ۲ . دوره صدر اسلام
۲۳	۱ . ۲ . ۱ . دورنمای تاریخی
۲۵	۱ . ۲ . ۲ . ادبیات در صدر اسلام
۲۶	۱ . ۲ . ۳ . شعر دوره اسلامی
۲۸	۱ . ۲ . ۳ . ۱ . موضوعات شعر در صدر اسلام
۳۰	۱ . ۲ . ۳ . ۲ . ضعف شعر در دوره اسلامی و اسباب آن
۳۱	۱ . ۳ . دوره اموی
۳۱	۱ . ۳ . ۱ . دور نمای تاریخی
۳۱	۱ . ۳ . ۲ . ادبیات در عصر اموی
۳۲	۱ . ۳ . ۳ . شعر دوره اموی

فصل دوم:

۳۳	زندگی نامه سوید بن ابی کاهل یشکری (.. بعد ۶۰ هـ) (.. بعد ۶۸۰ م)
۳۴	۱ . ۲ . زندگی نامه شخصی
۳۶	۱ . ۲ . ۲ . زندگی نامه ادبی

فصل سوم:

۴۴	شرح و تحلیل ابیات قصیده «یتیمه» سوید بن ابی کاهل یشکری
----	--

فصل چهارم:

۱۴۲	بررسی قصیده «یتیمه» سوید بن ابی کاهل یشکری
۱۴۳	۱ . ۴ . جایگاه قصیده «یتیمه» در ادبیات عرب
۱۴۴	۱ . ۴ . ۲ . اغراض و محتوای قصیده «یتیمه»

۱۵۵.....	۴ . ۳ . ویژگی های لفظی و معنوی قصیده «یتیمه».....
۱۵۷.....	خلاصة الأطروحة بالعربية.....
۱۶۶.....	فهرست آیات.....
۱۶۷.....	منابع فارسی.....
۱۶۹.....	المصادر العربية.....
۱۷۵.....	مقالات.....
۱۷۶.....	Abstract

پیشگفتار :

سوید بن ابي كاهل يشكري (۰۰ - بعد ۶۰ هـ) از شاعران مخضرم مي باشد و هر سه دوره جاهلي، اسلامي و اموي را درك کرده است. وي از شاعراني است، كه صاحب ديوان مي باشند. از ميان اشعاري كه از سويد به جا مانده، آنچه باعث شهرت او شده قصيده «يتيمة» مي باشد، كه در رساله حاضر ما آن را مورد شرح و تحليل و بررسي قرار داده ايم. قصيده «يتيمة» از جايگاه فني و هنري بالايي برخوردار است، و از ديدگاه برخي از كارشناسان قابل مقايسه با معلقات سبع مي باشد.

اهميت اين پژوهش در شناساندن مهم ترين اثر ادبي به جا مانده از سويد بن ابي كاهل يعني قصيده «يتيمة» مي باشد. از همين رو واژگان مهم و نكات نحوي و بلاغي اين قصيده مورد بررسي قرار گرفته است؛ به گونه اي كه پژوهندگان غير عرب نيز به خوبي با اين قصيده آشنا مي شوند.

قلمروي مكاني اين پژوهش جزيره العرب، قلمروي زماني آن سه دوره جاهلي، اسلامي و اموي مي باشد. قلمروي موضوعي آن نيز قصيده «يتيمة» سويد بن ابي كاهل است.

سؤال هايي كه در ابتداي اين پژوهش ذهن نگارنده را به خود مشغول ساخته بود، عبارت بودند از اين كه:

- آيا سويد در قصيده «يتيمة» از حكمت بهره گرفته است؟

- آيا قصيده «يتيمة» در ادبيات عرب از جايگاه والايي برخوردار است؟

- آيا سويد در اين قصيده از ادبای هم دوره خویش تاثیر پذیرفته است؟

اين پژوهش جديد است و تا به حال كاري در اين زمينه صورت نگرفته است. روش انجام اين پژوهش توصيفي است، زيرا موضوع رساله شرح و تحليل و بررسي قصيده مي باشد.

برای گردآوری اطلاعات به منظور نگارش این پژوهش روش کتابخانه ای (فیش برداری) در نظر گرفته شد، و با کمک منابع و مآخذ مربوط، چهار فصل برای رساله حاضر در نظر گرفته شد:

فصل اول: در این فصل عصر شاعر را معرفی نمودیم. از آن جا که سوید بن ابی کاهل از شاعران مخضرم بوده و سه دوره جاهلی، اسلامی و اموی را درک نموده است، ابتدا به تعریف واژه مخضرم پرداختیم. سپس مقدمه ای پیرامون این سه عصر آوردیم، تا خواننده اطلاعاتی درباره وضعیت تاریخی و ادبی آن دوران داشته باشد. نخست به شرح و بررسی مفهوم جاهلیت، محدوده زمانی دوره جاهلی و ابعاد مختلف زندگی اعراب قبل از اسلام همچون سرزمینشان، وضعیت اجتماعی، سیاسی، جنگ های پیوسته آن ها و اخلاق و عقاید دینی آن ها پرداختیم. سپس شعر دوره جاهلی را مورد بررسی قرار دادیم و ویژگی های لفظی و معنوی، اغراض و محتوا، شکل، وحدت موضوعی، روایت و ارزش شعر را در دوره جاهلی بیان کردیم. آن گاه دورنمای تاریخی دوره صدر اسلام را آوردیم و ادبیات صدر اسلام را بررسی نمودیم. سپس به معرفی شعر دوره اسلامی و موضوعات آن و بررسی ضعف شعر در صدر اسلام پرداختیم. در بخش پایانی این فصل دورنمای تاریخی دوره اموی، ادبیات و شعر این دوره مورد بررسی قرار گرفت.

فصل دوم: این فصل زندگی نامه سوید بن ابی کاهل را در بر دارد، و شامل دو بخش زندگی نامه شخصی و زندگی نامه ادبی وی می باشد.

فصل سوم: در این فصل به شرح و تحلیل قصیده «یتیمه» پرداختیم. نحوه تحقیق در این فصل به این صورت است، که ابتدا کل قصیده طبق «دیوان المفضلیات» شرح ابو محمد القاسم بن محمد بن بشار الأنباری آورده شده است. دلیل انتخاب شعر از این دیوان این است، که این منبع در بردارنده تمامی قصیده است، و نسبت به بقیه کتاب هایی که در دسترس بود، از قدمت و اعتبار بیشتری برخوردار است. بعد از روایت قصیده، شرح هر بیت را به طور مفصل آورده ایم. به این صورت که ذیل هر بیت، معانی واژگان دشوار، نکات نحوی و بلاغی مهم و ترجمه

و شرح آن آورده شده است. و اگر بیتی به صورت دیگری نیز آمده، آن صورت نیز ذیل بیت نگاشته شده است، اما برای شرح و بررسی روایت مشهورتر مد نظر قرار گرفته است.

فصل چهارم: که فصل پایانی به شمار می رود، شامل بررسی و بیان ویژگی های قصیده «یتیمه» به صورت کلی می باشد. در این فصل به بررسی جایگاه قصیده «یتیمه» در ادبیات عرب، اغراض و ویژگی های لفظی و معنوی این قصیده پرداختیم.

بعد از طی مراحل و فصل های مذکور به این نتیجه رسیدیم که :

- سوید در تعداد اندکی از ابیات قصیده «یتیمه» از حکمت بهره گرفته است.

- قصیده «یتیمه» در ادبیات عرب از جایگاه والایی برخوردار است.

- سوید همچون دیگر شاعران دوره جاهلی قصیده خود را با غزل آغاز کرده، و از اغراض رایج شعر آن دوره همچون وصف، فخر، حکمت و هجا استفاده نموده است. ویژگی های لفظی و معنوی این قصیده نیز تا حد زیادی مطابق با ویژگی های لفظی و معنوی رایج شعر دوره جاهلی می باشد.

لازم به ذکر است، برای ترجمه ابیات و لغات رساله از فرهنگ های لسان العرب، تاج العروس من جواهر القاموس، منتهی الأرب، المنجد و المعجم الوسيط استفاده شده است. برای افزایش اطلاعات در زمینه نحو و بلاغت نیز از کتاب های شرح ابن عقیل و جواهر البلاغة سید احمد هاشمی بهره گرفته شده است.

در بخش پایانی رساله، خلاصه ای از مطالب رساله به زبان عربی و پس از آن چکیده انگلیسی آورده شده است.

کتابنامه رساله در سه قسمت کتاب های فارسی، عربی و مقالات آورده شده است، و درباره نویسندگان عرب در مواردی که نام و نام خانوادگی آن ها قابل تفکیک نیست، به همان صورتی که روی جلد کتاب ذکر شده بود، عمل کردیم، مانند: حنا الفاخوري، جواد علي و

امید است که این رساله مورد توجه و استقبال کلیه دانشجویان و پژوهندگان زبان و ادبیات
عربی و فارسی واقع گردد و راه را برای آنان هموار نماید.

من الله التوفیق

نرگس خسروی سوادجانی

اسفند ماه سال همت مضاعف و کار مضاعف

فصل اول

معرفی عصر زندگی شاعر

معرفی عصر زندگی شاعر

سويد بن أبي كاهل از جمله شاعرانی است، که هر دو دورهٔ جاهلی و اسلامی را درک کرده است؛ (جاحظ، ۱۳۵۱ ق: ج ۲، ص ۱۹۲) به همین دلیل او را یک شاعر مخضرم می دانیم. ابن منظور راجع به کلمهٔ مخضرم این گونه آورده است: «اصل خَضْرَمَة به معنای قراردادن چیزی بین دو حالت است. به کسی که دو دورهٔ جاهلیت و اسلام را درک کرده است، مخضرم می گویند.» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ذیل مادهٔ خَضْرَم)

نام «مخضرم» بر شاعرانی اطلاق می شود که چندی در عصر جاهلی، و سپس در اسلام زیسته اند. مخضرم به معنی چیزی است، که دو گونه یا دو جنبه دارد. بنابراین ممکن است بر شاعرانی اطلاق شود که زندگی شان را اسلام به دو بخش تقسیم کرده، و دیگر لازم نیست که به این آیین گرویده باشند. ما می توانیم ایشان را شاعران «دو جنبه ای» بخوانیم. (عبدالجلیل، ۱۳۶۳ ش: ص ۵۸) برخی سرودن شعر در هر دو دورهٔ جاهلی و اسلامی را نیز از شرایط شاعران مخضرم می دانند. (جواد علی، ۱۹۷۲: ج ۹، ص ۸۳۸)

اگر بخواهیم محدودهٔ دورهٔ مخضرمی را تعیین کنیم، باید زمانی را که اکثر شاعران مخضرم در آن زیسته اند، در نظر بگیریم. این زمان حدود یک قرن طول می کشد و از زمان نعمان بن منذر ابوقابوس (۵۸۵ م) آغاز می شود و تا زمان معاویه بن ابی سفیان (۴۱ هـ - ۶۶۱ م) ادامه دارد. (الجبوري، ۱۳۸۴ ق: ص ۱۷)

دورهٔ جاهلی و دورهٔ اسلامی از جنبه های متعددی با یکدیگر متفاوتند؛ از آن جا که شرایط هر دوره ای در رفتار و دستاوردهای مردم آن دوره تأثیر دارد، ما نیز ابتدا شرایط هر دو دورهٔ جاهلی و اسلامی را که بر شاعران این دوره ها از جمله سويد بن أبي كاهل مؤثر بوده است، بررسی می کنیم؛ سپس از آن جا که سويد بن أبي كاهل ۲۰ سالی را در دورهٔ اموی زیسته است، راجع به این دوره نیز به طور مختصر مطالبی ارائه می کنیم.

۱. ۱. دوره جاهلی

در تاریخ امت های پیشرفته، هیچ تاریخی به اندازه تاریخ اعراب قبل از اسلام مبهم نیست، به همین دلیل بسیاری از نویسندگان از پرداختن به آن ترس داشته اند، چرا که نظرات بسیار متفاوتی درباره تاریخ این دوره وجود دارد. برخلاف تاریخ این دوره، تاریخ بعد از اسلام کاملاً مورد توجه نویسندگان و مورخین بوده است. به گونه ای که تقریباً می توان گفت: تمامی اخبار این دوره را ثبت کرده و شرح داده اند. (فرزاد، ۱۳۷۴ ش: ص ۱۳)

۱. ۱. ۱. مفهوم جاهلیت:

کلمه «جاهلیت» از «جهل» گرفته شده، و به معنای نادانی، گمراهی، سفاهت و فقدان رشد اجتماعی می باشد. (ترجانی زاده، ۱۳۴۸ ش: ص ۲۴)

معنای جهل در لسان العرب این گونه آمده است: «جهل نقیض علم است. «تجاهل» به معنای این است که شخصی که جاهل نیست از خودش جهل نشان دهد و خود را به جهالت و نادانی بزند. «التجهیل» به این معناست که کسی را به جهل و نادانی منسوب کنی، و «الجهالة» به معنای انجام دادن کاری بدون علم می باشد. در حدیث آمده است: «إِنَّ مِنَ الْعِلْمِ جَهْلًا». در این زمینه گفته شده: علم وقتی جهل می شود که انسان علم قرآن و سنت را رها کند و به آنچه به آن احتیاج ندارد، مثل ستاره شناسی علم داشته باشد. جاهلیت برهه ای از زمان است، که قبل از اسلام بوده است. در جمله «إِنَّكَ أَمْرٌ فِیْكَ جَاهِلِيَّةٌ» جاهلیت به معنای حالتی است که اعراب قبل از اسلام داشته اند، یعنی از خدای سبحان، رسول خدا و دین ناآگاه بوده، و به انساب خود افتخار می کرده اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ذیل ماده جهل)

کلمه «جاهلیت» از طرف قرآن مجید بر احوال و آداب و زندگی اعراب پیش از اسلام اطلاق شده است. برای این که اعراب در آن زمان، جاهل، بی خرد و خیره سر بودند، آن ها بت ها را می پرستیدند و پیوسته در جنگ و کشتار و خونریزی به سر می بردند. شرابخواری و قمار بازی در

میانشان رواج کامل داشت. حتی عده ای دختران خود را زنده به گور می کردند. (بهرز، ۱۳۵۹ش: ص ۲۷)

شوقی ضیف درباره کلمه «جاهلیت» می گوید: «این کلمه مشتق از «جهل» نقیض «علم» نیست، بلکه از ریشه «جهل» به معنی خیره سری و پرخاشگری و شرارت است، و در مقابل «اسلام» به معنای تسلیم و طاعت خدای عزوجل و رفتار و کردار بزرگواران دینی قرار می گیرد. کلمه جهل و جاهلیت در زبان قرآن و حدیث نبوی نیز به همین معنای تعصب و بی پروایی و کم خردی است». (شوقی ضیف، ۱۹۶۰: ج ۱، ص ۳۹)

به عنوان مثال در قرآن کریم آمده است: «... قَالُوا اتَّخَذْنَا هُزُؤًا قَالِ اعُوذُ بِاللَّهِ اَنْ اَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِيْنَ» (بقره: ۶۷) گفتند ما را به تمسخر گرفته ای؟ (موسی) گفت: پناه می برم به خدا از این که سخن به فسوس و تمسخر گویم، که این کار مردم نادان است. در این آیه ریشخند زدن از نشانه های جاهلیت به حساب آمده است.

در روایت آمده است که ابوذر مادر کسی را به زشتی یاد کرد، پیامبر به او فرمود: «اِنَّكَ امْرُؤٌ فِیْكَ جَاهِلِيَّةٌ» تو فردی هستی که جاهلیت در تو وجود دارد. (فاضلی، ۱۳۸۷ ش: ص ۴) در این جا حضرت دشنام دادن را از نشانه های جاهلیت دانسته اند.

۱ . ۱ . ۲ . محدوده زمانی دوره جاهلی :

آنچه از اصطلاح «عصر جاهلیت» نخست در ذهن می آید همه روزگاران قبل از اسلام است، یعنی همه دوره های تاریخ جزیره العرب قبل و بعد از میلاد مسیح؛ ولی پژوهشگران ادب جاهلی این وسعت را در نظر ندارند. چرا که بیش از یک قرن و نیم قبل از بعثت پیامبر اسلام (ص) نمی توانند عقب تر بروند و به همین مقدار کفایت می کنند. در این دوره زبان عربی تکامل یافت و شعر جاهلی نیز مربوط به همین عصر است. (شوقی ضیف، ۱۹۶۰: ج ۱، ص ۳۸)

جاحظ در این زمینه گفته است: «اما شعر عربی نوزاد و کم سن و سال است، نخستین کسانی که این راه را پیموده اند، امریء القیس بن حجر و مهلهل بن ربیعة هستند. وقتی رشته شعر را رو به عقب دنبال کنیم، متوجه می شویم ابتدای آن صد و پنجاه سال پیش از ظهور اسلام است و اگر بخواهیم خیلی عقب برویم، نهایتاً دویست سال». (جاحظ، ۱۳۵۷ ق: ج ۱، ص ۷۴)

بنابراین دوره جاهلی خود به دو عصر تقسیم می شود:

۱. جاهلیت اول که از قدیمی ترین زمان تا قرن پنجم میلادی است.
۲. جاهلیت دوم که از قرن پنجم میلادی تا ظهور اسلام می باشد. (بمروز، ۱۳۵۹ ش: ص ۲۷) و آنچه از ادبیات دوره جاهلی مدنظر ماست، مربوط همین دوره دوم می باشد.

۱ . ۱ . ۳ . اعراب قبل از اسلام

۱ . ۱ . ۳ . سرزمین اعراب

اعراب از نژاد سامی هستند. کلمه سامی بر مجموعه ای از اقوام در شرق میانه اطلاق می شود که تشابه زبان هایشان حاکی از این است که در اصل لهجه هایی نزدیک به هم بوده و در اثر تحول به چند زبان تبدیل شده اند. (شوقی ضیف، ۱۹۶۰: ج ۱، ص ۲۲) آن زبان ها عبارتند از: آرامی، فنیقی، عبری، عربی، حبشی، بابلی و آشوری. در این که سرزمین اولیه اقوام سامی کجا بوده است، اختلاف وجود دارد ولی این اقوام در طول تاریخ از سرزمین اولیه خود هجرت کردند؛ بابلیون و آشوریون در عراق ساکن شدند، فنیقی ها در سواحل سوریه، عبری ها در فلسطین، حبشی ها در حبشه و اعراب در شبه جزیره عربستان استقرار یافتند. (آذرشب، ۱۳۸۱ ش: ص ۱۹)

شبه جزیره عربستان در جنوب غربی آسیا قرار دارد و عرب آن را جزیره می نامد؛ به این دلیل که آب سه سمت جنوبی، غربی و شرقی را فرا گرفته و در واقع شبه جزیره است، و در روی زمین شبه جزیره ای به وسعت آن وجود ندارد. (شوقی ضیف، ۱۹۶۰: ج ۱، ص ۲۶)

۱. ۱. ۳. ۲. وضعیت اجتماعی اعراب

در عصر جاهلی قبیله اساس زندگی اجتماعی بود. قبیله خانواده ای بزرگی بود که از سه قشر تشکیل می شد: یکی اعضای اصلی که پیوند خون و نسب داشتند و ستون و بنیان قبیله بودند؛ دیگر بندگان، که شامل برده های حمل شده از سرزمین های بیگانه می شدند؛ و بالاخره موالی یا بردگان آزاد شده که خلعاء را نیز دربرمی گرفت. خلعاء، رانندگان دیگر قبایل (بر اثر جرم و جنایت) بودند که به ناچار به قبیله ای دیگری پناه می بردند و در آن قبیله، همچون اعضای اصلی قبیله، صاحب حقوق، و مکلف به تکالیفی می گردیدند. (هاشم صالح مناع، ۲۰۰۵: ص ۳۶)

برخی از مورخین، جامعه دوره جاهلی را به دو گروه اصلی تقسیم می کنند: پادشاهان و غیرپادشاهان. سپس غیرپادشاهان را به دو گروه ساکنان شهرها و روستاها و به چادرنشینان تقسیم می نمایند. ساکنان شهرها و روستاها از طریق زراعت و بازرگانی امرارمعاش می نموده اند و چادرنشینان از شیر و گوشت شترشان گذران زندگی می کرده اند. چادرنشینان همواره به دنبال آب و چراگاهی برای شترشان از مکانی به مکان دیگر کوچ می نموده اند. (الأسد، ۱۹۸۸ م: ص ۱۰)

زنان نیز در جامعه قبیله ای به دو دسته تقسیم می شدند: کنیز و بانو. کنیزان بسیار بودند؛ بانوان و زنان آزاد به پخت و پز، دوخت و بافت و خانه داری می پرداختند، به غیر از بانوان اشراف که خادمان این کارها را برایشان انجام می دادند. (شوقی ضیف، ۱۹۶۰: ج ۱، صص ۷۲ - ۷۳) نشانه های زیادی وجود دارد که دختران اشراف و بزرگان مقام بلندی داشتند؛ چنان که همسرشان را خود برمی گزیدند و اگر رفتار شوهر مورد پسندشان نبود، ترکش می کردند. (نیکلسون الین، ۱۳۸۰ ش: ص ۱۱۶)

زنان در جنگ همراه با مردان بودند و با سرودهای حماسی اراده آن ها را تقویت می کردند. اعراب زن را جزء حیثیت شان می شمردند و هیچ چیز مثل اسارت زن آن ها را به هیجان نمی آورد. در این حال سواره به دنبال زنان می تاختند، تا زنان اسیر را آزاد و خود را از ننگ پاک کنند، چرا که اسیر بودن زن در دست دشمن بزرگترین ننگ عرب بود. (شوقی ضیف، ۱۹۶۰: ج ۱، صص ۷۲-۷۳)

همین امر یکی از دلایل کراهت اعراب از فرزند دختر بود؛ چراکه آنان می ترسیدند فرزند دخترشان روزی با اسارت در دست دشمن مایه ننگ آن ها شود. از این رو هنگامی که دختری متولد می شد، پدر او اندوهگین می گردید. (آذر شب، ۱۳۸۸ ش: ص ۳۰)

قرآن کریم حالت اعراب جاهلی را در هنگام تولد نوزاد دختر این گونه وصف می کند: «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ...» (نحل: ۵۸) و چون یکی از آن ها را به فرزند دختری مژده آید، از شدت غم و حسرت، رخسارش سیاه شده و سخت دلتنگ می شود.

در دوران جاهلی به خاطر کثرت جنگ هایی که اتفاق می افتاد و ما به آن اشاره خواهیم نمود، تعداد زیادی از مردان کشته می شدند و به همین سبب نسبت زنان به مردان بیشتر بود. همین امر باعث شده بود که هر مرد چند همسر اختیار کند. در جامعه جاهلی زنان، دختران و کودکان از ارث محروم بودند. (هاشم صالح مناع، ۲۰۰۵: ص ۴۷)

از آن جا که هدف در هر جامعه جاهلی لذت حسی و آنی، و منطبق در چنین جامعه ای نیروی مادی است، اعراب جاهلی نیز از این قانون مستثنی نبودند. آن ها برای دستیابی به مال و زن مبارزه می کردند. نگاه آن ها به زن از روی لذت و سوء استفاده بود. همین امر باعث رو آوردن برخی از زنان به بدکارگی شده بود. گروهی از زنان نیز در میکده ها به آواز و موسیقی مشغول بودند. (آذر شب، ۱۳۸۸ ش: ص ۳۰)

جمال زن، عرب را به هیجان می آورد، و زبان او را به توصیف زن و زیور و عطر و بوی او می گشود. شاعر عرب در زیبایی جسمانی توقف نمی کرد، بلکه جمال روحی و آراستگی های معنوی و ارزشمند زن را نیز در می یافت. (شوقی ضیف، ۱۹۶۰: ج ۱، صص ۷۳-۷۴) و این زنان بودند که شاعر را به سرودن ترغیب می کردند و سلحشوران را به جنگ. (نیکلسون الین، ۱۳۸۰ ش: ص ۱۱۶)

۱. ۱. ۳. ۳. وضعیت سیاسی جامعهٔ اعراب

قبل از اسلام سه نوع حکومت سیاسی بر شبه جزیرهٔ عربستان حاکم بود:

- ۱- حکومت قبیله ای: در رأس این حکومت شیخ قبیله قرار داشت، گاهی اوقات دو یا چند قبیله با یکدیگر می جنگیدند، چنان که گویی دولت هایی مستقل هستند.
- ۲- حکومت استبدادی: در شهرهای تجاری، یک خانوادهٔ برجسته یا ثروتمند حکومت را بر عهده داشت، همانند خاندان قریش که حاکمان مکه بودند. خاندان حاکم در شهر در همهٔ زمینه ها حتی مسائل اقتصادی سر رشتهٔ امور را در دست داشتند. (فرزاد، ۱۳۷۴ ش: صص ۱۴-۱۵)
- ۳- نفوذیگانگان: بیگانگان بر اطراف شبه جزیرهٔ عربستان حکومت داشتند. رومی ها و فارس ها دشمنان دیرینه ای بودند، که ۱۲ قرن با یکدیگر جنگیدند. (عمر فروخ، ۱۳۸۸ ق: ص ۶۶) رومی ها برشام مسلط بودند و در آنجا دولت غساسنه را ایجاد کردند. فارس ها (ساسانیان) نیز بر قسمت های شرقی سرزمین اعراب تسلط یافتند، و در آنجا دولت عربی «مناذره» را تحت سلطهٔ خود برپا کردند. (فرزاد، ۱۳۷۴ ش: ص ۱۵)

۱. ۱. ۳. ۴. «ایام اعراب» و جنگ های پیوسته

شاید مهم ترین مشخصهٔ زندگی اعراب جاهلی آن باشد که مبتنی بر جنگ و خونریزی بود، تا آن جا که کشتار یکی از سنت هایشان بود. مهم ترین قانونشان انتقام جویی بود، و خون بها پذیرفتن را بالاترین خواری و ذلت می دانستند. (شوقی ضیف، ۱۹۶۰: ج ۱، ص ۶۲)

جنگ های آنان را «ایام» نامیده اند، زیرا در روز می جنگیدند و شباهنگام دست از نبرد می کشیدند. (آذر شب، ۱۳۸۸ ش: ص ۲۷)

اگر بخواهیم به مهمترین دلایل این جنگ‌ها اشاره کنیم باید از نزاع آن‌ها بر سر آب، چراگاه، منصب و شرف و حمله به دیگر قبایل و غارت اموال آن‌ها برای گذراندن زندگی یاد کنیم. (حسین الحجاج حسن، ۱۴۰۴ ق: ص ۲۲۲)

۱. ۱. ۳. ۵. اخلاق اعراب

زندگی در صحرا و قبیله، صفات اخلاقی ویژه‌ای به اعراب داده بود. یکی از این صفات، بخشش و کرم است. در هنگام گذر از صحرا گاه توشه و آب عرب جاهلی تمام می‌شد، و گاه راه را گم می‌کرد و محتاج کسی بود که از او پذیرایی و او را راهنمایی نماید. علاوه بر این به خاطر خشکسالی و قحطی‌های طولانی در شبه جزیره، همواره فقرا و بیچارگان به یاری ثروتمندان احتیاج داشتند. از این رو بخشش یک صفت اخلاقی مهم در زندگی اعراب جاهلی به حساب می‌آمد. (آذرشب، ۱۳۸۸ ش: ص ۲۷) شجاعت از دیگر صفاتی است که زندگی در آن دوره به اعراب می‌بخشید. همان‌طور که گفتیم اعراب دائماً در حال جنگ و خونریزی بودند، حضور در این جنگ‌ها باعث می‌گردید تا اعراب شجاع باشند و از سختی‌ها هراسی در دل نداشته باشند. (همان: ص ۲۸)

عرب دوره جاهلی به همسایه بسیار توجه می‌کرد، جنگ را دوست داشت و همواره تلاش می‌کرد با حفظ شرف قبیله و زنان قبیله، آبروی خود را حفظ کند. (فرزاد، ۱۳۷۴ ش: ص ۱۷)

در جامعه آن روز شراب و قمار رواج فراوان داشت، وقتی به اشعار این دوره می‌نگریم، ملاحظه می‌کنیم که وصف شراب بر زبان همه شاعران روان است. به تبع باده پرستی، زنبارگی نیز در آن عصر شایع بود. (شوقی ضیف، ۱۹۶۰: ج ۱، ص ۷۰)

۱. ۱. ۳. ۶. عقاید دینی اعراب

مذهب در زندگی اعراب قبل از اسلام آن قدر تأثیر کمی داشته است، که نمی توانیم توقع داشته باشیم اثر زیادی بر شعر آنان داشته باشد. (نیکلسون الین، ۱۳۸۰ ش: ص ۱۵۶) همه اعراب جاهلی به یک دین اعتقاد نداشتند و دین های متعددی در شبه جزیره عربستان وجود داشته است؛ اما بت پرستی پررونق ترین دین در شبه جزیره عربستان به شمار می آمد. (هاشم صالح مناع، ۲۰۰۵: ص ۱۶)

در شبه جزیره عربستان یهودیت و مسیحیت نیز نفوذ کرده بود. از قرن چهارم میلادی گروه هایی در شبه جزیره به یهودیت ایمان آورده بودند؛ به عنوان نمونه یکی از پادشاهان حمیر برای مبارزه با نفوذ حبشی های مسیحی به دین یهودیت گرویده بود. (العمری، ۱۹۸۱: ص ۶۵)

مسیحیت نیز یکی دیگر از ادیان آسمانی است که در شبه جزیره عربستان پیروانی داشته است. این دین از یمن، سوریه و فلسطین و بعدها از حیره وارد شبه جزیره شد. (همان: ص ۶۷)

برخی از اعراب نیز به دین حنیف اعتقاد داشتند و یکتاپرست بودند. این گروه مراکز نسبتاً فعالی در طائف، یثرب و مکه داشته اند. (عبدالجلیل، ۱۳۶۳ ش: ص ۲۱)

۱. ۱. ۳. ۷. وضعیت ادبیات بین اعراب

منظور از ادبیات شعر و نثری است که به دست ما رسیده، یا به تعبیر بهتر هر کلام نیکویی که به صورت شعر و نثر روایت شده است. ادبیات عرب قدمتی بسیار طولانی دارد، چرا که اعراب از دیرباز شعر و نثر را برای برآوردن نیازهای خود به کار می گرفته اند. هرچند اکثر شعر و نثر زمان جاهلیت از بین رفته است، چنانکه ابوعمر و بن علاء می گوید: «از آنچه عرب گفته جز کمی به شما نرسیده، و اگر همه می رسید علم و شعری بسیار بود.» (فاضلی، ۱۳۸۷ ش: ص ۴)

شعر نسبت به نثر در بین اعراب رواج بیشتری داشت؛ چرا که در آن زمان کتابت رونقی نداشت، و از آن جا که شعر را می توان به خاطر سپرد و در ذهن حفظ کرد، ولی نثر معمولاً با نوشتن ثبت و حفظ می شود، نثر کمتر مورد توجه بود. دلیل دیگر این است که زبان شعر به عاطفه نزدیکتر از